



رضامندی زناشویی و تعیین عوامل تأثیرگذار بر آن در شیراز

دکتر علیرضا میراحمدی زاده*، دکتر نوذر نخعی امرودی**، سید حمیدرضا طباطبایی***،
دکتر رامین شفیعیان****

چکیده

هدف: در این پژوهش عوامل مرتبط بر رضامندی زناشویی بررسی شده است.

روش: ۱۲۷ نفر متقاضی طلاق و ۱۶۷۰ نفر متأهل از جمعیت عادی و غیرمتقاضی طلاق، که سابقه اقدام به طلاق نداشتند، به کمک پرسشنامه رضامندی زناشویی که دارای چهار مقیاس جاذبه، تفاهم، نگرش و سرمایه‌گذاری است، بررسی شدند.
یافته‌ها: این بررسی نشان داد که سال‌های تأهل و تحصیلات، میانگین سن در هنگام ازدواج و شمار فرزندان، در گروه متقاضی طلاق کمتر بود. در یک تحلیل چندمتغیری مهم‌ترین زمینه‌های ارتباطی مرتبط با رضامندی زناشویی عبارت بودند از: سرمایه‌گذاری، نگرش و تفاهم.

نتیجه: رضامندی زناشویی در کسانی که در هنگام ازدواج دارای میزان تحصیلات و سن بالاتری بوده‌اند، بیشتر است. رضامندی در زوج‌هایی بیشتر است که بین آن‌ها احترام متقابل حکمفرماست، دارای مهارت‌های ارتباطی و تفاهم بیشتری با هم هستند. جاذبه به تنهایی کمتر از سرمایه‌گذاری، نگرش مثبت و تفاهم، در رضامندی زناشویی تأثیر دارد.

کلید واژه: زناشویی، رضامندی، طلاق، احترام متقابل، جاذبه، سرمایه‌گذاری، تفاهم

* پزشکی عمومی، کارشناس ارشد بهداشت عمومی. دبیر مرکز مطالعات و تحقیقات بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شیراز. شیراز، بلوار سیبویه، مرکز بهداشت استان فارس، مرکز مطالعات و تحقیقات بهداشتی. صندوق پستی ۷۱۶۴۵-۱۳۷
E-mail: mmvtdops@sums.ac.ir (نویسنده مسئول).

** متخصص پزشکی اجتماعی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کرمان. کرمان، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کرمان. بخش پزشکی اجتماعی.

*** کارشناس ارشد آمار و اپیدمیولوژی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شیراز. دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی شیراز، بخش آمار و اپیدمیولوژی.

**** کارشناس آموزش بهداشت فارس. شیراز، بلوار سیبویه، مرکز بهداشت استان فارس، مرکز مطالعات و تحقیقات بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، صندوق پستی ۷۱۶۴۵-۱۳۷.

مقدمه

نخستین وظیفه هنجارهای اخلاقی یک جامعه تنظیم روابط مرد و زن بر پایه های مناسب است. انسانی ترین عمل برای تنظیم این روابط، پیوند زناشویی است که می توان از آن به عنوان عامل اصلی اتحاد زن و مرد برای بهبود و پیشرفت آینده یاد کرد. ازدواج، پیوندی است میان زن و مرد که زیر بنای آن نیازی زیستی است و سبب پیدایی خانواده و تداوم آن است (ستوده، ۱۳۷۹).

بنا به گزارش جامعه شناسان و روان شناسان، در سال های اخیر احساس امنیت، آرامش و روابط صمیمانه میان مرد و زن به سستی گراییده است و خانواده به گونه فزاینده ای با نیروهای ویرانگر روبه رو شده است (ستوده، ۱۳۷۹). میزان طلاق در غرب، به ویژه آمریکا رو به فزونی است، به گونه ای که در این کشور ۵۲٪ ازدواج ها به طلاق می انجامد (فاورز^۱، مونتل^۲ و السون^۳، ۱۹۹۶) و ۲۲٪ زنان در طول زندگی مشترک خود به علت کشمکش های خانوادگی آسیب می بینند (کایریاکو^۴، انگلین^۵ و تالیافرو^۶، ۱۹۹۹). افزایش طلاق تنها به آمریکا مربوط نمی شود، زیرا هر جا فرهنگ غربی رسوخ بیشتری یافته، نرخ طلاق هم فزونی داشته است (ستوده، ۱۳۷۹). در کشور ما نیز آمار، گویای افزایش میزان طلاق است؛ به گونه ای که نسبت طلاق به ازدواج از ۳/۲٪ (استان یزد) تا ۱۵/۹٪ (استان تهران) در نوسان می باشد (ستوده، ۱۳۷۹).

با توجه به واقعیت پیش گفته و نظر به پیامدهای ویرانگر ازدواج ناموفق بر بهداشت بدنی و روانی زن، شوهر، فرزندان و جامعه (آماتو^۷، بوث^۸، ۱۹۹۱) لزوم بررسی رضامندی زناشویی و ابعاد گوناگون آن و هم چنین تعیین عوامل تأثیرگذار بر رضامندی زناشویی، بیش از پیش ضرورت می یابد. در این زمینه در بررسی های انجام شده ابعاد ویژه ای از رضامندی زناشویی سنجیده شده است (گود^۹، ۱۹۸۹؛ لارسن^{۱۰} و دلسون^{۱۱}، ۱۹۸۹). در کشور ما نیز در سال های اخیر پژوهشگران در برخی بررسی ها به بررسی تأثیر عوامل

گوناگون در پایداری روابط زناشویی پرداخته اند (آزاد و نصیب البکاء، ۱۳۸۰؛ بنی اسدی، ۱۳۷۵). در پژوهشی با عنوان "بررسی و مقایسه عوامل فردی، اجتماعی و شخصیتی در زوج های سازگار و ناسازگار شهر کرمان"، عواملی همچون امور مالی، رابطه جنسی، اوقات فراغت و باورهای مذهبی در گسستگی زندگی زناشویی، تأثیرگذار گزارش شدند (بنی اسدی، ۱۳۷۵).

هدف بررسی حاضر تعیین نقش برخی مؤلفه های جمعیت شناختی و نیز روان شناختی در رضامندی زناشویی است تا بتوان با پی بردن به نقش و اهمیت این عوامل، به پایداری خانواده و رفع اختلاف میان زوجها کمک کرد.

روش

این بررسی از نوع زمینه یابی است. نمونه های پژوهش به روش نمونه گیری خوشه ای تصادفی از بین کارکنان دولت، کارکنان بخش خصوصی، کارکنان آموزش و پرورش، کارکنان دانشگاه علوم پزشکی شیراز و زنان خانه دار انتخاب شدند. هم چنین افراد متقاضی طلاق در مراکز مشاوره و دادگستری نیز مورد بررسی قرار گرفتند. در گروه غیر متقاضی طلاق که از آن با عنوان گروه "سایرین" نام برده می شود، کسانی که سابقه قبلی اقدام برای طلاق داشتند، از بررسی کنار گذاشته شدند. در مجموع ۲۰۰۰ نفر (۲۰۰ نفر متقاضی طلاق و ۱۸۰۰ نفر غیر متقاضی طلاق یا سایرین) برای مصاحبه انتخاب شدند که از این تعداد ۶۸/۵٪ از متقاضیان طلاق (۱۳۷ نفر) و ۹۲/۷٪ از گروه سایرین (۱۶۷۰ نفر) در مصاحبه شرکت کردند و گفتنی است که پرسشنامه های گردآوری شده از ۱۰ تن از متقاضیان طلاق به دلیل نقص در اطلاعات ارائه شده از بررسی

1- Fowers
3- Olson
5- Anglin
7- Amato
9- Goode
11- Dison

2- Montel
4- Kyriacou
6- Taliaferro
8- Booth
10- Larsen

کنار گذاشته شدند و داده‌های مربوط به ۱۲۷ نفر تحلیل گردید.

مصاحبه با آزمودنی‌ها توسط پرسشگران آموزش دیده انجام شد. پیش از اجرای مصاحبه در مورد بدون نام بودن پاسخ‌های ارائه شده، به مصاحبه شوندگان اطمینان خاطر داده می‌شد و مصاحبه با موافقت شفاهی آنان انجام می‌شد.

ابزار به کار برده شده پرسشنامه رضامندی زناشویی^۱ (دارای ۴۹ ماده بسته و چهارگزینه‌ای) بود. این پرسشنامه در چهار مقوله جاذبه^۲ (۱۳ ماده)، تفاهم^۳ (۱۲ ماده)، نگرش^۴ (۱۲ ماده)، سرمایه‌گذاری^۵ (۱۲ ماده)، تنظیم شده است (صالحی فردی، ۱۳۷۸).

به منظور درک بهتر متغیرهای این پژوهش، متغیرهای مهم آن تعریف می‌شوند:

رضامندی زناشویی: "حالتی که طی آن زن و شوهر از ازدواج با یکدیگر و با هم بودن احساس شادمانی و رضایت دارند" (سینها^۶ و ماکرجی^۷، ۱۹۹۱).

جاذبه: جاذبه عبارت است از جنبه‌ای از یک شیء، فعالیت یا شخص که برانگیزاننده پاسخ‌های نزدیکی در دیگران باشد، تمایلی برای نزدیک شدن به یک شیء، فعالیت یا شخص. در این پرسشنامه جاذبه‌های بدنی و جنسی انسان مد نظر قرار گرفته است (صالحی فردی، ۱۳۷۸).

تفاهم: "ارتباطی مبتنی بر پذیرش دوسویه، راحت و بدون تنش و دغدغه خاطر که بین دو نفر برقرار می‌شود".

نگرش: "نوعی سوگیری عاطفی درونی که عمل یک فرد را تبیین می‌کند. در اصل این تعریف در برگیرنده قصد و نیت فرد می‌باشد".

سرمایه‌گذاری: منظور از این عبارت آن است که "هر یک از زوج‌ها برای بهتر ساختن رابطه و نیز خوشایندی طرف مقابل، کارهایی را انجام می‌دهند و یا از انجام آن خودداری می‌کنند". به بیان دیگر، "مقابله به مثل کردن، هنگامی که رفتار طرف مقابل پاداش دهنده است و خودداری از انجام عمل متقابل، هنگامی

که رفتار وی پاداش دهنده نیست" (صالحی فردی، ۱۳۷۸).

داده‌های گردآوری شده پس از انجام عملیات روان‌سنجی مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند. در این زمینه نخست، پایایی پرسشنامه، از طریق روش همسانی درونی و محاسبه ضریب آلفا تعیین شد (آناستازی^۸، ۱۹۷۶). ضریب آلفای به دست آمده برای هر یک از مقیاس‌ها و کل پرسشنامه عبارت است از: جاذبه، ۰/۸۱؛ تفاهم، ۰/۵۱؛ نگرش، ۰/۸۶؛ سرمایه‌گذاری، ۰/۷۸؛ کل پرسشنامه، ۰/۹۲. بنابراین فقط مقیاس تفاهم از پایایی مطلوب بی‌بهره است. برای آن که پرسشنامه‌ای پایایی داشته باشد باید ضریب آلفا در کل پرسشنامه بیش از ۰/۷۰ باشد (نونالی^۹، ۱۹۷۸). برای پی بردن به روایی پرسشنامه، روایی سازه به کار گرفته شد. آزمون در صورتی دارای روایی سازه است که نمرات به دست آمده از اجرای آن به مفاهیم یا سازه‌های نظریه مورد نظر مربوط باشد (راجرز^{۱۰}، ۱۹۹۵). به این منظور نمره‌های به دست آمده از سنجش رضامندی زناشویی در گروه‌های متقاضی طلاق و سایرین با یکدیگر مقایسه شد. جدول ۱ همبستگی میان مقیاس‌ها با یکدیگر و با نمره کل پرسشنامه را نشان می‌دهد که همگی در سطح مطلوب می‌باشند. از این رو، پرسشنامه توانایی تمایز دو گروه از یکدیگر را داشته و از روایی سازه برخوردار می‌باشد. هم‌چنین با محاسبه ضریب همبستگی بین چهار مقوله مورد سنجش نیز، روایی پرسشنامه بررسی شد که لازم است در هر مورد بیش از ۰/۴۰ باشد (همان‌جا).

به منظور پی بردن به قدرت ارتباط هر یک از ۴ مقوله مورد سنجش با رضامندی زناشویی تحلیل رگرسیون چندگانه به کار برده شد. بر اساس توزیع نمرات به دست آمده از پرسشنامه، در هر مقوله افراد به سه گروه راضی، نسبتاً راضی و ناراضی تقسیم شدند (کلین‌بام^{۱۱}، ۱۹۹۴).

1- Marital Satisfaction Inventory	
2- attraction	3-rapport
4-attitude	5-investment
6-Sinha	7- Mukerjee
8-Anastasi	9-Nunnally
10-Rogers	11- Kleinbaum

جدول ۱- همبستگی بین مقیاس‌ها و کل پرسشنامه

نمره کل	جاذبه	تفاهم	نگرش	سرمایه گذاری
نمره کل	۱			
جاذبه	۰/۹	۱		
تفاهم	۰/۷۵	۰/۶۳	۱	
نگرش	۰/۹۳	۰/۸	۰/۷۱	۱
سرمایه‌گذاری	۰/۷۹	۰/۶۱	۰/۵۲	۰/۷۵

یافته‌ها

جدول ۲ برخی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان را برحسب جنس نشان داده است. میانگین سنی متقاضیان طلاق به‌طور معنی‌داری از سایرین کمتر بود ($P < /0.01$). افزون بر این، شمار فرزندان، سال‌های تأهل و تحصیلات نیز در گروه متقاضیان طلاق از گروه سایرین به‌طور معنی‌داری کمتر بود (جدول ۲).

میانگین سن ازدواج در زنان متقاضی طلاق کمتر از گروه سایرین بود ($P < /0.05$). ولی این تفاوت در مردان معنی‌دار نمی‌باشد. بیشتر زنان در شرف طلاق خانه‌دار بودند (جدول ۳).

برای آزمون تفاوت میانگین متغیرهای پیوسته از آزمون t استفاده شد.

جدول ۲- مقایسه میانگین، انحراف معیار و سطح معنی‌داری ویژگی‌های جمعیت‌شناختی در دو گروه متقاضی طلاق و سایرین برحسب جنس

متغیر	زنان		مردان		کل	
	طلاق (n=63)	سایرین (n=905)	سطح معنی‌داری	طلاق (n=64)	سایرین (n=765)	سطح معنی‌داری
سن هنگام مصاحبه	30±7	36±9	0/001	37±9	40±8	0/009
سن ازدواج	21±5	22±5	0/004	25±5	26±4	0/052
سال‌های تأهل	8±7	14±9	0/001	12±9	14±8	0/1
فرزند	1±1	2±1	0/001	2±1	3±1	0/008
تحصیلات فرد	11±4	12±3	0/008	12±4	13±3	0/004
تحصیلات همسر	12±4	13±4	0/004	10±5	1±4	0/1

جدول ۳- توزیع فراوانی مطلق و نسبی آزمودنی‌های متقاضی طلاق برحسب جنس و شغل خود و همسر

متغیر	زنان		مردان	
	خود	همسر	خود	همسر
شغل	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
خانه‌دار	39	61/9	0	0
معلم	6	9/5	8	12/5
کارمند بهداشتی درمانی	7	11/1	4	6/3
کارمند سایر بخش‌های دولتی	2	3/2	15	23/4
بخش خصوصی یا شغل آزاد	9	14/3	27	42/2
نا مشخص	0	0	10	15/6
جمع	63	100	64	100

بحث

شاید مهم‌ترین عاملی که باعث افزایش میزان طلاق در قرن بیستم شده است، کاهش نگرش‌های منفی نسبت به طلاق و پذیرش اجتماعی روز افزون رخداد آن باشد.

معیارهای همسرگزینی و شرایط تحقق ازدواج در بیشتر موارد عقلانی نبوده و انتخاب همسر مبتنی بر تحمیل پدر و مادر، مصلحت‌اندیشی، شناخت‌های سطحی و علایق آبی و زودگذر بوده است (ستوده، ۱۳۷۹).

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که سن ازدواج در زنانی که در شرف طلاق می‌باشند، در مقایسه با بقیه افراد به‌طور معنی‌داری کمتر است. بررسی‌های مشابه نیز نشان می‌دهند که سن ازدواج عامل مهمی در تداوم ازدواج می‌باشد (بوث و ادواردز^۱، ۱۹۸۵). به بیان دیگر، هر چه سن ازدواج پایین‌تر باشد احتمال از هم گسیختگی خانواده بیشتر می‌شود؛ زیرا در سنین پایین افراد از قابلیت‌های لازم برای ایفای نقش همسری بی‌بهره‌اند. در عین حال، ازدواج در سنین بسیار بالا نیز خطر طلاق را افزایش می‌دهد (همان‌جا). از سوی دیگر، سطح تحصیلات نیز در متقاضیان طلاق به‌طور معنی‌داری کمتر از سایرین است. این یافته نیز مورد تأیید بررسی‌های مشابه می‌باشد (گود، ۱۹۸۹). به‌گونه‌ای که در طبقات اجتماعی پایین‌تر و افراد دارای تحصیلات کمتر میزان طلاق بیشتر است. شمار فرزندان نیز در این گروه کمتر است که کم‌تر بودن سال‌های تأهل آنان تا حدی این یافته را توجیه می‌کند.

همان‌طور که جدول ۳ نشان می‌دهد، بیشتر زنان در شرف طلاق خانه‌دار بودند. این امر شاید مؤید نظر جامعه‌شناسان باشد که احساس استقلال در خانم‌ها سبب افزایش رضامندی زناشویی می‌شود (لارسن و دلسون، ۱۹۸۹). از سوی دیگر، این یافته مشابه الگوی شغلی زنان جامعه ایران نیز می‌باشد.

مقایسه میانگین نمرات مقیاس‌های رضامندی زناشویی در دو گروه در جدول ۴ ارائه گردیده است. همان‌گونه که جدول ۴ نشان می‌دهد نمرات آزمودنی‌های پژوهش در همه مقیاس‌های پرسشنامه از نظر آماری معنی‌دار است.

جدول ۴- مقایسه میانگین و انحراف معیار نمرات مقیاس‌های رضامندی زناشویی در دو گروه متقاضی طلاق و سایرین و سطح معنی‌داری آن‌ها

مقیاس	گروه	فراوانی	میانگین و انحراف معیار	سطح معنی‌داری
کل پرسشنامه	طلاق	۱۲۷	۱۱۹±۲۵	۰/۰۰۱
	سایرین	۱۶۷۰	۱۳۸±۲۹	
جاذبه	طلاق	۱۲۷	۳۰±۹	۰/۰۰۱
	سایرین	۱۶۷۰	۳۵±۸	
تفاهم	طلاق	۱۲۷	۲۹±۶	۰/۰۰۱
	سایرین	۱۶۷۰	۳۲±۷	
نگرش	طلاق	۱۲۷	۲۸±۹	۰/۰۰۱
	سایرین	۱۶۷۰	۳۵±۹	
سرمایه گذاری	طلاق	۱۲۷	۳۲±۷	۰/۰۰۱
	سایرین	۱۶۷۰	۳۵±۸	

نتایج محاسبه‌های رگرسیون نشان می‌دهد که قدرت ارتباطی مقوله جاذبه از نظر آماری معنی‌دار نیست، ولی با سایر مقوله‌ها به‌طور معنی‌داری با رضامندی زناشویی ارتباط دارد (جدول ۵).

جدول ۵- قدرت ارتباط (نسبت بخت) هر یک از مقیاس‌ها در تعیین رضامندی زناشویی

مقیاس	نسبت بخت* (OR)	حدود اطمینان** (CI)
جاذبه	کم	۱/۰۳
	متوسط	۰/۸۵
	مطلوب	۱
تفاهم	کم	۲/۸
	متوسط	۱/۵
	مطلوب	۱
نگرش	کم	۳/۱
	متوسط	۱/۴
	مطلوب	۱
سرمایه گذاری	کم	۳/۴
	متوسط	۱/۹
	مطلوب	۱
سن ازدواج	—	—

** = Confidence Interval * = Odds Ratio

1- Edwards

در مورد ارتباط هر یک از چهار مقوله پیش گفته با رضامندی زناشویی، به نظر می‌رسد که به ترتیب مقوله‌های سرمایه‌گذاری، نگرش و تفاهم نقش مؤثرتری در پایداری پیوند زناشویی دارند (جدول ۵). به‌طورمثال، در صورت سرمایه‌گذاری کم، احتمال طلاق افراد ۳/۴ برابر کسانی است که سرمایه‌گذاری مطلوب دارند.

بررسی‌های مختلف در زمینه نقش روابط جنسی در پایداری ازدواج نتایج گوناگونی به دست داده است (لارسن و دلسون، ۱۹۸۹؛ نونالی، ۱۹۷۸؛ هاستون^۱ و ونجلیستی^۲، ۱۹۹۱). بررسی‌هایی که مقوله ارتباط جنسی را در کنار سایر عوامل بررسی کرده‌اند (لارسن، ۱۹۸۹؛ هاستون و ونجلیستی، ۱۹۹۱) با یافته‌های بررسی حاضر همسویی دارند و به روشنی بیان کرده‌اند که علایق و احساسات جنسی به تنهایی با رضامندی زناشویی ارتباط ندارد (دانلی^۳، ۱۹۹۳). در بررسی آزاد و نصیب‌البکاء (۱۳۸۰) که در آن ویژگی‌های فردی و شخصی زوج‌های سازگار و ناسازگار شهر تهران مقایسه شد، ناسازگاری جنسی در ایجاد اختلافات زناشویی از اهمیت چندانی برخوردار نبود. از آنجا که مقوله سرمایه‌گذاری بر گذشت، قدردانی و احترام متقابل استوار است و چون تعریف افراد از احترام با هم فرق می‌کند، باید هر یک از زوج‌ها برداشت یکدیگر را از "احترام" بدانند. در پژوهش حق‌دوست، رواز، کاملی و لطیفی (۱۳۷۴) که به بررسی دیدگاه سی صد نفر از دانشجویان علوم پزشکی کشور درباره عوامل مؤثر در ازدواج پرداختند، فداکاری و گذشت یکی از چهار ویژگی اصلی همسر ایده‌آل معرفی شد. در زندگی مشترک باید بستر مناسبی برای اعتماد و دلبستگی دوسویه موجود باشد و لازمه این بستر، داشتن دیدی مثبت نسبت به یکدیگر است (صالحی‌فردی، ۱۳۷۸). از این رو، یکی از راه‌های افزایش رضامندی زناشویی، ایجاد وفاداری و خوش‌بینی به یکدیگر می‌باشد (جین^۴، ۱۹۹۹).

توافق در مسائل مذهبی عامل مهمی در پایداری روابط زناشویی به شمار می‌رود (جین، ۱۹۹۹؛ لارسن و دلسون، ۱۹۸۹). در بررسی انجام‌شده در شهر کرمان نیز تفاوت در باورهای مذهبی از عوامل مؤثر در گسستگی پیوند زناشویی شناخته شده است (بنی‌اسدی، ۱۳۷۵). هم‌چنین در نظر خواهی از دانشجویان علوم پزشکی کشور نیز تفاهم اخلاقی و تشابه در باورهای مذهبی یکی از معیارهای مهم همسر ایده‌آل معرفی شد (حق دوست و همکاران، ۱۳۷۴).

یکی از راه‌های ایجاد تفاهم درک متقابل است. حتی اگر زوج‌ها پیش از ازدواج یکدیگر را به‌خوبی بشناسند، فرایند ازدواج اندک‌اندک سبب تغییراتی در رفتار اشخاص می‌شود (لاسلو^۵ و لاسول، ۱۹۹۴) که در صورت عدم شناخت کافی نسبت به این تغییرات، انس و الفت میان آن‌ها کم‌کم کم‌رنگ شده و سبب سست‌شدن پیوند زناشویی خواهد شد (همان‌جا).

به‌طورکلی، یافته‌های بالا اهمیت اقدامات پیشگیری را در قالب برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای نشان می‌دهد. نکته مهم آن‌که این آموزش‌ها باید در کلیه سطوح و در پیش و پس از ازدواج صورت پذیرد، حتی در مرحله‌ای که هنوز اقدامی برای ازدواج صورت نپذیرفته است (گاردنر^۶ و هالت^۷، ۲۰۰۰). هم‌اکنون در برخی کشورها داوطلبان ازدواج باید گواهی مبنی بر شرکت در کلاس‌های مربوط به روابط زناشویی (مشمول بر ابعاد مختلف اجتماعی و روان‌شناختی) را ارائه دهند. در کشور ما نیز چنین کلاس‌هایی، اما نه در سطحی مطلوب، برگزار می‌شود. این کلاس‌ها بسیار کوتاه‌مدت و محتوای مطالب ارائه‌شده مهارت‌های ارتباطی زوج‌ها را افزایش نمی‌دهد. افزون‌براین، کلاس‌ها زمانی برگزار می‌شود که زوج‌ها در زمینه ازدواج به توافق رسیده‌اند. ارزشیابی پژوهشی کارایی

1- Huston
3- Donnelly
5- Lasswell
7- Howlett

2- Vangelisti
4- Jane
6- Gardner

صالحی فدردی، جواد (۱۳۷۸). رضامندی زناشویی. *فصلنامه تازه‌های روان‌درمانی*، سال چهارم، شماره ۱۴ و ۱۳، صفحات ۸۴-۱۰۸

Amato, P.R., & Booth, A. (1991). Consequences of parental divorce and marital unhappiness for adult well being. *Social Forces*, 69, 895-914.

Anastasi, A. (1976). *Psychological testing*, (4th ed.). New York: MacMillan Publishing Co, (p.p. 103-133).

Booth, A., & Edwards, J.N. (1985). Age at marriage and marital instability. *Journal of Marriage and the Family*, 61, 67-75.

Donnelly, D.A. (1993). Sexually inactive marriages. *The Journal of Sex Research*, 30, 171-179.

Fowers, B.J., Montel, K.H., & Olson, D.H. (1996). An examination of the predictive validity of an empirically based typology of engaged couples. *Journal of Marital and Family Therapy*, 22, 102-119.

Gardner, S.P., & Howlett, L.S. (2000). Changing the focus of interventions: need for primary prevention at the couple level. *Family Science Review*, 13, 96.

Goode, W.J. (1989). *The family*, (2nd ed.). New Delhi, Prentice-Hall of India, (P.P. 147-167).

Huston, T.L., & Vangelisti, A.L. (1991). Socio-emotional behavior and satisfaction in marital relationships: A longitudinal study. *Journal of Personality and Social Psychology*, 6, 721-723.

Jane, R. (1999). Dr. Jane's notebook: Improving your marital status. Available On <http://www.dr-ane.com/chapters/satisfaction.htm>.

Kleinbaum, D.G. (1994). *Logistic regression*, (1st ed.). New York: Springer – Verlag Inc.

این کلاس‌ها و برگزاری آن‌ها با رفع کاستی‌های موجود در دبیرستان‌ها و نیز توسط سازمان‌هایی همچون بهزیستی و مراکز بهداشتی و مشاوره‌ای به‌طور گسترده‌تر و با محتوای غنی‌تری ضروری به‌نظر می‌رسد.

سپاسگزاری

از همکاری سازمان‌ها و نهادهای شهر شیراز، به‌ویژه دانشگاه علوم پزشکی شیراز و واحدهای زیر پوشش آن، اداره کل آموزش و پرورش استان فارس و اداره‌های مربوطه قدردانی می‌شود. لازم می‌دانیم از کمیسیون امور بانوان استانداری استان فارس به‌دلیل حمایت مالی از این پژوهش صمیمانه تشکر و قدردانی نماییم. هم‌چنین از سرکار خانم‌ها میترا دادخواه و فاطمه پیرو که همکاری‌های سودمند ایشان همیشه راهگشای پژوهشگر و همکاران بوده است و نیز از سرکار خانم‌ها نسرين مهدی‌پور، لیلا رضایی، لیلا شیرازی و فاطمه آزادیان که در کلیه مراحل اجرای پژوهش همراه و همگام مجریان طرح بوده‌اند سپاسگزاری می‌شود.

منابع

آزاد، حسین؛ نصیب البکاء، انسبه (۱۳۸۰). مقایسه ویژگی‌های فردی و شخصیتی در زوج‌های سازگار و ناسازگار شهر تهران. *فصلنامه دانش و پژوهش*. انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان). شماره هفتم، ۵۴-۴۱.

بنی اسدی، ح. (۱۳۷۵). *بررسی و مقایسه عوامل فردی، اجتماعی و شخصیتی در زوج‌های سازگار و ناسازگار شهر کرمان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی عمومی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.

حق دوست، علی اکبر؛ رواز، کوروش؛ کاملی، جعفر؛ لطیفی، نوراحمد (۱۳۷۴). بررسی دیدگاه دانشجویان علوم پزشکی پیرامون عوامل مؤثر در ازدواج. *فصلنامه اندیشه و رفتار*، سال دوم، شماره ۳، ۳۰-۲۰.

ستوده، هدایت‌ا... (۱۳۷۹). *آسیب‌شناسی اجتماعی*. تهران، انتشارات آوای نور.

- Kyriacou, D.N., Anglin, D., & Taliaferro, E. (1999). Risk factors for injury to women from domestic violence. *New England Journal of Medicine*, 341, 1892-1898.
- Larsen, A.S., & Olson, D.H. (1989). Predicting marital satisfaction using PREPARE: A replication study. *Journal of Marital and Family Therapy*, 15, 311-322.
- Lasswell, M.E., Lasswell, T.E. (1994). *Marriage and the family*, Washington D.C, Health & Company.
- Nunnally, J.C. (1978). *Psychometric theory*, (2nd ed.). New York: McGraw Hill Co.
- Rogers, T.B. (1995). *The Psychological testing enterprise: An introduction*, (1st ed.). California, Books/Cole Pub, (P.P. 453-498).
- Sinha, S.P., & Mukerjee, N. (1991). Marital adjustment and space orientation. *The Journal of Social Psychology*, 132, 5-9.